

بررسی تاثیر دینداری بر پایداری خانواده (مورد مطالعه: متاهلین شهر یاسوج)

سید صمد بهشتی *

فرشید بهادر □

چکیده

دین به عنوان پدیده ای ارزشگذار و هنجار فرست می تواند نقش های متنوعی را در زندگی انسان ها ایفا کند و در ابعاد خرد و کلان زندگی فردی و اجتماعی آنها را متاثر سازد. چنین به نظر می رسد که با توجه به اهمیتی که دین اسلام به ازدواج و خانواده می دهد باید نقش مهمی را در پایداری خانواده ها به عنوان هسته بنیادی زندگی اجتماعی ایفا کند. تحقیق حاضر به مطالعه تجربی این موضوع یعنی بررسی تاثیر میزان دینداری بر پایداری خانواده در بین مردان و زنان متاهل شهر یاسوج پرداخته است. روش این تحقیق کمی و شیوه مورد استفاده در آن از نوع پیمایش است. جامعه آماری زنان و مردان متاهل شهر یاسوج هستند. برای جمع آوری اطلاعات از پرسشنامه دینداری گلارک و استارک و در مورد پایداری خانواده از پرسشنامه الگوی ارتباطات خانواده ریچی و فیتزپاتریک (۱۹۹۰) در بین نمونه ای ۴۰۰ نفری از آنان استفاده شده است و داده ها به صورت اینترنتی جمع آوری شده اند. برای بررسی فرضیه های اصلی تحقیق از تکنیک مدل سازی معادلات ساختاری واریانس محور و نرم افزار Smart PLS استفاده شده است. نتایج پژوهش نشان داده اند سطح دینداری و نیز پایداری خانواده ها در مجموع بالاتر از سطح میانگین هست. میزان دینداری اثر مثبتی بر پایداری و کارآمدی خانواده ها دارد با افزایش دینداری میزان

* استادیار گروه جامعه شناسی، دانشگاه یاسوج، دانشکده ادبیات و sbeheshty@yu.ac.ir

علوم انسانی، گروه جامعه شناسی، ایران، یاسوج

دانشجوی دکتری جامعه شناسی، دانشگاه علامه F.bahador1996@gmail.com

طباطبایی، دانشکده علوم اجتماعی گروه علوم اجتماعی، ایران، تهران

پایداری خانواده‌ها نیز افزایش می‌یابد به طوری که ضریب رگرسیون استاندارد اثر دینداری بر پایداری خانواده بر حسب محاسبات انجام شده در فاصله اطمینان ۹۹ درصد برابر با ۰.۰۳۴۱، برآورد شد. در مجموع حدود ۶ درصد از تغییرات پایداری خانواده توسط دینداری افراد تبیین می‌شود. همچنین یافته‌ها نشان داده‌اند میزان دینداری و پایداری خانواده در بین زنان و مردان متاهل تفاوت معناداری ندارند.

واژه‌های کلیدی: پایداری خانواده، دینداری، خانواده، جنسیت.

مقدمه

خانواده بنیادی‌ترین هسته هر نظام اجتماعی است. در جوامع انسانی، خانواده به گروهی از افراد گفته می‌شود که با یکدیگر از طریق هم‌خونی، تمایل سببی، یا مکان زندگی مشترک، وابستگی دارند. سازمان ملل متحد (۱۹۹۴) نیز در آمار جمعیتی خود، خانواده را چنین تعریف می‌کند: خانواده یا خانوار به گروه دو یا چند نفره‌ای اطلاق می‌شود که باهم زندگی می‌کنند؛ درآمد مشترک برای غذا و دیگر ضروریات زندگی دارند و از طریق خون، فرزندخواندگی یا ازدواج، باهم نسبت دارند (اعزازی، ۱۳۹۹: ۶۲). در نظر بسیاری از جامعه‌شناسان نظیر کنت، دورکیم و آگ برن خانواده هسته اصلی زندگی اجتماعی است و با برطرف کردن نیازهایی چون فرزند آوری و جامعه پذیر کردن آنها نقشی اساسی در بقای نظام اجتماعی دارد.

نهاد خانواده یکی از اساس‌ترین نهادهای اجتماعی است، چون که سلامت و یا عدم سلامت جامعه را در دست دارد و در بنای جامعه و حفظ سنت‌ها، ارزش‌ها، روابط خویشاوندی، پرورش کودک، تعادل روانی و عاطفی او نقش مهمی دارد. خانواده زمانی دچار آسیب می‌شود که نتواند به اهدافش جامعه‌ی عمل ببوشاند، به ویژه، زمانی که از هدف اصلی آن، یعنی گروه اولیه بودن دور شود. شکل طبیعی خانواده آن است که هر یک از اعضاء از جنبه عاطفی حمایت شوند و این یک حالت ایده آل برای خانواده است (لوئر، ۱۹۹۸). از آنجایی که مشکلات خانواده به صورت نابهنجاری در سطح جامعه بروز می‌کند، خانواده و سلامت آن از اهمیت فوق‌العاده‌ای برخوردار هستند. با افزایش مسائلی همانند بالارفتن سن ازدواج - طلاق، فرار از منزل، فحشا، سردشدن

ارتباطات عاطفی، نارضایتی‌ها از زندگی خانوادگی و سایر مسائل خانوادگی است که باعث ناکامی و شکست‌های بزرگی در زندگی جوانان ایجاد می‌شود. بسیاری از آسیب‌ها و مسایل اجتماعی جامعه نشان از مشکلات عمیقی در سطح خانواده دارد که به نوعی باید ریشه‌یابی و درمان شوند.

آمارها نشان می‌دهد که از هر سه ازدواج در سال ۱۴۰۰ یک مورد به طلاق منجر شده است. مجموع ازدواج کشور در تابستان ۱۴۰۰، ۱۳۴ هزار و ۲۰۸ مورد بود و محاسبات نشان می‌دهد که ازدواج در ایران در فاصله ۱۳۹۰ تا ۱۳۹۹، بیش از ۳۶ درصد کاهش یافته است و حدود ۸۰ درصد طلاق‌ها توافقی انجام می‌شود. براساس آمارها از هر سه ازدواج یک ازدواج به طلاق منجر می‌شود که در واقع باید گفت بیش از ۴۵ درصد از ازدواج‌ها ناموفق است. از سال ۱۳۹۰ تا ۱۳۹۹ طلاق ۲۸ درصد رشد داشته است که سه عامل بی‌توجهی، بی‌تعهدی و بی‌احترامی از مهم‌ترین عوامل آن به شمار می‌رود. در میان این آمارها یکی از موضوعات مهم این است که بسیاری از طلاق‌ها در پنج سال اول زندگی رخ می‌دهد (ایسنا، ۱۴۰۱: کد خبر ۸۴۷۱۸۳۰۹).

وضعیت کلی استان کهگیلویه و بویراحمد نیز چندان متفاوت از کل کشور نیست. تعداد ازدواج‌ها در ۹ ماهه اول سال ۱۳۹۹ در این استان ۴۸۱۷ مورد بوده است؛ طلاق نیز ۱۱۳۵ مورد به ثبت رسیده است که نرخ آن ۷/۱ در هزار در این استان است. جمعیت استان نیز روند نزولی دارد؛ ولادت در ۹ ماهه امسال حدود ۴/۹ درصد روند کاهشی داشته است. ماهانه ۸۸۴ مورد و ولادت در استان به ثبت می‌رسد. در این مدت ۲۹۹۵ واقعه وفات نیز به ثبت رسیده است؛ در هر ماه ۳۳ مورد، که نسبت به سال گذشته ۱۱ درصد افزایش داشته‌ایم (پایگاه تحلیلی خبری کبنا نیوز، ۱۴۰۰: کد خبر ۴۴۲۸۳۹).

دین یکی از مهم‌ترین فاکتورهای هویت‌ساز هر انسان هست. آنچه به عنوان هویت انسانی از آن یاد می‌شود تا حدود زیادی تحت تأثیر باورها و اعتقاداتی است که می‌توانند به عنوان هویت دینی شناخته شوند. پدیده دینداری (religiosity) از موضوعات قابل توجهی است که همواره مورد توجه انسانها بوده است و علاوه بر داشتن نقشی بسیار پر رنگ در جوامع سنتی در جوامع امروزی نیز جایگاه برجسته‌ای دارد. برای نمونه اهمیت آن را از کثرت تلاش‌هایی می‌توان

دریافت که در سال های اخیر برای ساخت و به کارگیری سنجه های دینداری مصروف شده است. این تلاش ها از دل اقتضائات و ضرورت های قابل درکی بیرون آمده است که نمی توانست بدون پاسخ باقی بماند. ضرورت این مطالعات به طور عام برخواسته از نفوذ و اعتباری است که هنوز دین برای انسان و اجتماع دارد (شجاعی زند، ۱۳۸۴: ۳۵).

دین اصل وحدت بخش و زمینه مشترکی را فراهم ساخته و به انسان اجازه می دهد تا با فائق آمدن بر تمایلات خودخواهانه اشان و به خاطر عشق به همنوعانشان فراتر از این خودخواهی ها عمل کنند. مطالعات بین دین و جامعه شناسی دین نشان می دهند که اعتقادات و باورهای دینی یا همان میزان دینداری به عنوان یکی از مهمترین عوامل ایجاد تحکیم و انسجام اجتماعی به شمار می روند و نقش بارزی در تحولات اجتماعی و اقتصادی ایفا می نمایند؛ دین و مذهب به صورت گوناگون از دیرباز، در طبقات مختلف تاریخ بشری به ظهور رسیده و تا به امروز نیز امتداد داشته است و مادام که نوع بشر در این کره خاکی زندگی کند، این گزینه در نهاد او محکم و استوار و منشا بسیاری آثار خواهد بود (مدنی، ۱۳۸۵: ۶۹).

به باور کوئن (۱۳۸۵) دین به عنوان یکی از نهادهای اجتماعی نقش مهمی در حفظ انسجام اجتماعی همچون پایداری خانواده، بالابردن روحیه اجتماعی افراد و همچنین کمک به افراد در پیدا کردن هویت اخلاقی شان دارد. می توان گفت اگر نقش مذهب در جامعه تضعیف شود و تعهد و پایبندی انسان ها بدان کاهش یابد، این مکانیزم قوی کنترل درونی انسان ها و این سیمان اجتماعی (مذهب) نیز از دست می رود و پایه های نظام اجتماعی مثل خانواده فرو می ریزد (رفیع پور، ۱۳۷۳: ۳۰۸).

به صورت کلی می توان گفت صرف نظر از جنبه های ارزشی و نمادین روابط اجتماعی که از خلال دین برملا می شود، آنچه مسلم به نظر می رسد نقش فوق العاده اساسی و حساس آن در پایداری و انسجام خانواده ها است. آیات و روایات و احادیث متعددی را می توان در متون دینی یافت که به انحاء مختلف نکاتی را تذکر می دهند که هدف آنها پایدار نگاه داشتن خانواده است.

آن قدر که اسلام به تحکیم بنیان خانواده اهمیت داده و در دستورات خود گام به گام آن را دنبال نموده است، مکتب های دیگر به استقرار و پایداری خانواده بها و ارزش نداده است. اسلام

پیش از همه، می خواهد یک فضای عاطفی و محبت آمیز در محیط خانواده پدید آید و روابط بین اعضای آن بیش از پیش پایدار گردد. خانواده ای از منظر اسلام خوش بخت است که دوستی، صداقت و وفاداری بر فضای آن حاکم باشد، زیرا با اختلاف، بدبینی، و خودمحوری، شیرازه خانواده از هم می پاشد. خدای متعال ایجاد محبت و همدلی بین زن و شوهر را از نشانه های خود دانسته است برای مثال خداوند در آیه ۲۱ سوره روم تشکیل خانواده و انتخاب همسر که انسان ها به واسطه آن به آرامش می رسند را یکی از آیات و نشانه های خود معرفی می کند. (وَ مِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا وَ جَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَرَحْمَةً)

حضرت امام سجاد (ع) در دعایی که به یکی از دوستان خود تعلیم داد، فرمود: «ربِّ لاتذرنی فرداً و انت خیرالوارثین، و اجعل لی من لدنک ولیاً یرثنی فی حیاتی و یرثنی بعد موتی واجعله لی خلقاً سوياً و لاتجعل للشیطان فیه نصیباً، اللهم انی استغفرک و اتوب الیک، انک انت الغفور الرحیم» (مجلسی، ۱۳۶۴: ج ۸، ص ۵۴۴)، «پروردگارا، مرا تنها مگذار و تو بهترین وارثانی. برای من از جانب خود فرزندی قرار ده که در زندگی وارث من باشد و بعد از مرگم، برایم طلب آمرزش کند و او را از نظر خلقت، سالم و هماهنگ گردان و برای شیطان، در او بهره ای قرار مده. خدایا! از تو طلب آمرزش میکنم و به درگاهت توبه مینمایم که تو آمرزنده و رحیمی». در این دعا نیز، مؤمن برای خود و وارثانش از خداوند مغفرت، خلقت نیکو، دوری از شیطان و زیبایی ظاهر و باطن طلب میکند. ضروری است که اهل خانه به این پیوستگی عاطفی و الهی توجه داشته باشند و خود را در خدمت اعضا بدانند، نه طلبکار از آنان و چنانکه اشاره شد، خدمت به دیگران، دعا در حق آنان و رعایت اخلاقیات را وظیفه ای خود و حق آنان دانسته، نه لطف و مرحمت نسبت به آنها. حاکمیت این فرهنگ قرآنی، به طور مسلم در تحکیم و تحسین روابط خانواده مؤثر خواهد بود.

براساس بینش اسلامی، پیوند میان زن و مرد فراتر از یک غریزه بوده، منشأ فطری و الهی دارد که از سرشت آدمی ناشی می شود. دستگاه عظیم خلقت چنان زوجین را به هم علاقه مند ساخته است که حاضرند برای رفاه حال دیگری، رنج و زحمت را به جان خود بخرند تا همسر در آسایش زندگی کند. آفریدگار بشر کاری کرده است که خودخواهی و تکروی در محیط خانواده به

خدمت و همکاری تبدیل شود. وقتی زن و مرد عقد همسری بستند و قرار گذاشتند که یک عمر با هم زندگی کنند، خود به خود عواطف خاصی نسبت به یکدیگر پیدا می کنند. این گونه روابط عاطفی بین آن دو، هم در تکوین و هم در تشریح مورد نظر پروردگار است و هدف خداوند این است که بین زن و شوهر، مهر و محبت برقرار باشد تا در کنار هم احساس امنیت و آرامش نمایند. (مصباح یزدی، ۱۳۷۸: ۲۳). از این نظر، قوی ترین عامل دوام و رشد خانواده، «عاطفه» و محبت اعضای آن به همدیگر است و همه وظیفه دارند این عامل را تقویت کنند، به ویژه مرد خانواده، که سرپرستی اعضای خانواده را به عهده دارد، باید فضای همدلی و همکاری را در محیط خانواده پدید آورد و اگر احیاناً نارسایی یا کدورتی بین آن ها پدید آمد، بلافاصله به چاره و درمان آن پردازد. به قول شهید مطهری، اگر علاقه زن به شوهر از بین رفت، خانواده به صورت بیمار نیمه جان درمی آید و اگر علاقه شوهر به زن خاموش شد، مرگ حیات خانوادگی فرا می رسد (مطهری، ۱۳۸۷: ۳۰).

از عوامل تحکیم بنیان خانواده در اسلام خوش خویی و خوش اخلاقی است که روابط و دوستی میان اعضای خانواده را مستحکم و استوار می سازد. از پیامبر خدا صلی الله علیه و آله روایت شده که می فرماید: «حُسْنُ الْخُلُقِ يُثَبِّتُ الْمَوَدَّةَ» (خوش خویی، دوستی را استوار می کند). این وظیفه نیز میان مرد و زن، مشترک است؛ اما از آن جا که مرد، ریاست خانواده را به عهده دارد، درباره داشتن خوی نیکو، به او بیشتر توصیه شده است. همچنین در حدیثی دیگر از پیامبر (ص) آمده است: «أَحْسَنُ النَّاسِ إِيْمَانًا أَحْسَنُهُمْ خُلُقًا وَأَلَطْفُهُمْ بِأَهْلِهِ، وَأَنَا أَلَطَفُكُمْ بِأَهْلِي» (شایسته ترین مردمان، از جهت ایمان، کسی است که خوش اخلاق ترین آنها باشد و با خانواده اش مهربان تر باشد، و من، مهربان ترین شما با خانواده ام هستم). همچنین با این که خوش رفتاری متقابل مرد و زن برای تحکیم پیوند خانوادگی ضروری به نظر می رسد، اما قرآن کریم به مردها این گونه توصیه و سفارش می فرماید: «وَعَاشِرُوهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ فَإِنَّكُنَّ لَهُنَّ مَعْسَىٰ أَنْ تَكْرَهُنَّ شَيْئًا وَيَجْعَلَ اللَّهُ فِيهِ خَيْرًا كَثِيرًا» (نساء، آیه ۱۹). از امام صادق علیه السلام روایت شده که می فرمایند: «إِنَّ الْمَرْءَ يَحْتَاجُ فِي مَنْزِلِهِ وَعِيَالِهِ إِلَى ثَلَاثِ خِصَالٍ يَتَكَلَّفُهَا وَإِنْ لَمْ يَكُنْ فِي طَبَعِهِ ذَلِكَ: مُعَاشِرَةً جَمِيلَةً، وَسَعَةً بِتَقْدِيرٍ، وَغَيْرَةً بِتَحْصُنٍ». (مرد، در [اداره] خانه و خانواده اش، به سه خصلت نیاز دارد که

باید آنها را به کار برد، اگر چه این ویژگی‌ها در درون او نباشد: خوش خویی، گشاده دستی سنجیده، و غیرت برای ناموس داری.

زن و شوهری که می‌خواهند با یکدیگر یک عمر با هم به سر برند، ضروریست که با یکدیگر خوش اخلاق باشند که این امر موجب می‌شود زندگی آن‌ها شیرین و دلپذیر و گرم و باصفا باشد و با تفاهم اخلاقی مشکلات زندگی را حل و فصل خواهند کرد و برعکس اگر هر دو یا یکی از آن‌ها بداخلاق باشد زندگی بر هر دونفر و اهل خانه سخت خواهد بود و چیزی نمی‌تواند تلخی آن را شیرین سازد. اخلاق نیک یکی از بهترین عوامل تحکیم خانواده محسوب می‌شود مانند: تقوا، راست-گویی، امانت داری، خوش اخلاقی، خوش زبانی، خیرخواهی، پاکیزگی، بادبی، گذشت، بردباری، وظیفه شناسی، نجابت، عفت، کم توقعی، نرم خویی، رعایت اقتصاد در زندگی، شجاعت و ایثار و ... این قبیل صفات از مکارم اخلاق و مزایای واقعی هر انسان محسوب می‌شود (امینی، ۱۳۷۸: ۱۰۲).

برعکس، صفات زشت از نقاط و ضعف انسان محسوب می‌شود، مانند بی تقوایی، تندخویی، پروائی، بدزبانی، ترسویی، نفاق، پرتوقعی، بخل، کثیف بودن، ولخرجی و... این‌ها از نقاط منفی انسان محسوب می‌شوند و در همین زمینه روایات فراوانی آمده است. رسول خدا (ص) می‌فرماید: «اذا جائکم من ترصون خلقه و دینه فزوجوه الا تفعلوه تکن فتنه فی الارض و فساد کبیر» و نیز در روایت دیگر می‌فرماید: «زوجهها من رجل تقی فانه ان احبها اکرمها وان ابغضها لم یضلمها؛ دخترت را به ازدواج انسان متقی و پرهیزگار درآور؛ زیرا اگر دخترت را دوست داشته باشد او را اکرام و احترام می‌کند و اگر نسبتبه او بغض داشته باشد به او ظلم نمی‌کند.» (طبرسی، ۱۳۷۲: ۷۶).

خداوند در آیات زیادی از جمله آیه ۱۹، سوره نساء، حسن معاشرت مردان را با زنان سفارش کرده است. «یا ایها الذین امنوا لایحللکم ان ترثوا النساء کرها و لاتعضلوهن لتذهبوا ببعض ما انیتموهن الا انیأتین بفاحشۃ مبینة و عاشروهن بالمعروف فان کرهتموهن فعی ان تکرهوا شیئاً ویجعل الله فیہ خیراً کثیراً.» (نساء، ۱۹)

در این آیه نیز معاشرت به معروف، محور بحث و توصیه به مردان در برخورد با زنان است. آیه بیانگر دو نهی و یک امر به مردان است. نهی از به ارث بردن زنان و گرفتن تمام یا بخشی از

مهریه‌ی آنان به زور و امر به معاشرت به معروف با زنان است. «آیه هم ندا است و هم تنبیه، هم اشارت است و هم شهادت و هم حکم یا نداست. «آیها» تنبیه است؛ «الذین» اشارت است؛ «آمنوا» شهادت است؛ «لا یحل لکم ... کرها» حکم است و بیان حکم آن است که [زنان را] از راه تلبیس و تدلیس برایشان حکم نکنید و قهر نرانید و آنچه شرع نپسندد، از ایشان نخواهید؛ بلکه با ایشان به معروف زندگی کنید. (و عاشروهن بالمعروف، ای بتعلیم الدین و التادبالاخلاق المسلمین).» (میددی، ۱۳۵۷).

توصیه‌ی خداوند به رعایت معاشرت به معروف در مراحل خاص مثل طلاق، حاکی از آن است که در مواقع عادی به طریق اولی مرد باید مراعات معروف را بنماید. معاشرت به معروف، خاص مواضع ذکر شده در آیات نیست؛ بلکه همه رفتارها و برخوردهای مرد نسبت به همسر را شامل می‌شود. یعنی مردان باید در هر معاشرتی که با زنان دارند، مراعات معروف و نیاز روحی آنان را بکنند. با توجه به جامع‌نگری و دقت اسلام در روابط زن و مرد در محدوده‌ی خانواده، این حکم الهی (حسن معاشرت) بهترین ضامن اصلاح روابط در خانواده‌ها می‌باشد؛ به شرط آن که آگاهی و عمل آنان رابه همراه داشته باشد. مطالب مذکور ضمن مشخص کردن دیدگاه دین اسلام نسبت به خانواده و پایداری آن نشان دهنده این است که وجود اخلاق خوب و حسن معاشرت، استحکام و پایداری میان اعضای خانواده را استوار می‌سازد و مانع گسیختگی و فروپاشی اساس خانواده می‌شود.

از یک سو با توجه به آمارهایی که از وضعیت خانواده‌ها در سطور بالا ذکر شد بویژه موضوعاتی مانند کاهش پایداری خانواده‌ها و سیر صعودی طلاق در ایران به طور عام و در استان کهگیلویه و بویراحمد به صورت خاص و پیامدهای جبران ناپذیر آن بویژه در گسترش و شیوع آسیب‌ها و مسایل اجتماعی و از سوی دیگر با توجه به سطح اثر گذاری دین در تعریف هنجارها و ارزش‌های ممانعت کننده از بروز چنین پدیده‌هایی، محقق بر آن است تا تأثیر یکی از مهم ترین نهادهای اجتماعی یعنی دین را در پایداری خانواده‌ها مورد بررسی قرار دهد. پژوهش حاضر در پی پاسخگویی به این سؤال پژوهشی است که اولاً میزان دینداری مردم یاسوج در چه حد هست و ثانیاً این میزان، چه تأثیری بر پایداری خانواده‌ها در این شهر دارد؟

مطالعه‌ی تغییرات خانواده بطور مشخص بر سوابقی از پایداری، نظم و تداوم اجتماعی اثر می‌گذارد. در جوامع غربی افراد تعریف متفاوتی از زندگی مشترک دارند و این نوع زندگی را بدون ازدواج رسمی شکل می‌دهند و اساساً در زندگی خصوصی خود درگیر خانواده نمی‌شوند و اکثر این نوع از خانواده‌ها عضو «اتحادیه قانونی مشترک» می‌شوند. بدین شکل در ساختار خانواده تغییراتی ایجاد شده و با افزایش سهم خانواده‌های تنها و مجرد، مطلقه، ناتنی و آمیخته افزایش پیدا کرده است. این تغییرات به نوبه‌ی خود پایداری در خانواده را بطور مشخص کاهش می‌دهد (بیوجوت و راوانرا، ۲۰۰۸). این تغییرات در ساختار خانواده عواقب زیادی بر روی کودکان دارد و اثرات فروپاشی خانواده نه فقط در کوتاه مدت، بلکه در بلند مدت نیز اثرات نامطلوبی را بر روی فرزندان دارد.

در تحلیل‌های اولین بررسی بین‌المللی کودکان و جوانان مشخص شد که کودکان در خانواده‌های فرو پاشیده در مقایسه با کودکان خانواده‌های سالم از نظر رفتار، سلامتی و موفقیت‌های تحصیلی سهم کمتری را دارند و بیشتر اوقات از زندگی خود را در تنهایی به سر می‌برند و اثرات ناپایداری خانواده در بزرگسالی هم ادامه دارد. آن‌ها متوجه شدند که جدایی و طلاق والدین شانس فرزندان دختر را برای زندگی مشترک بدون ازدواج افزایش و شانس این دختران را برای بچه‌دار شدن پیش از زندگی زناشویی نیز بالا می‌برد و فرزندان پسر هم از هم گسیختگی و پریشانی یکسانی را تجربه می‌کنند. یکی دیگر از نتایج خانواده بدون انسجام و از هم گسیخته، ترک کردن خانه توسط فرزندان است. فرزندان خانواده‌های از هم گسیخته بیشتر در سنین پایین خانه را ترک می‌کنند و علت ترکشان به دلیل رابطه‌ی پرتنش بین کودک و والدین است و بعد از ترک از خانه، کمتر به خانه بر می‌گردند (در این میان یکی از عوامل مهمی که در انسجام خانواده موثر می‌باشد دین است که از طریق حمایت از ارزش‌ها، فعالیت‌های خانواده و از طریق تسهیل در امر سازگاری با مشکلات، زندگی را جذاب تر می‌کند. فرگوسن و هارود اشاره کرده‌اند خانواده‌هایی که دارای مشخصه «پایبندی مذهبی» بالایی هستند کمتر متمایل به فروپاشی هستند (فرگوسن و دیگران، ۱۹۸۴: ۵۴۷-۵۴۰). بوث بیان می‌کند که عقاید مذهبی به صورت نیروی خاص و نگهبان ازدواج دیده می‌شود که انسجام و پیوستگی آن را تقویت می‌کند (بوث و دیگران، ۱۹۸۳: ۳۹۰). حلیمی جلودار و آلوستانی بیان کردند که دینداری یکی از مهم‌ترین

عوامل استحکام و پایداری خانواده هاست به طوری که هر چه میزان دینداری در بین افراد بیشتر شود، استحکام و پایداری خانواده نیز بیشتر می شود (حلیمی جلودارو دیران، ۱۳۹۵).

در مقیاس کلان دین و خانواده در قوام نظم و انسجام در جامعه اثرگذارند در این دیدگاه، کنت دین و خانواده را دو محیط اخلاقی مهم شکل دهنده فرد می داند که به اتفاق درگیر تغییراتی شده است. مثلاً چرلین (۲۰۰۴) بر این باور است که تنوع خانواده، با به وجود آمدن شیوه های جدید زندگی خانوادگی، مثل خانواده های تک والدی، خانواده های مجرد و ... افزایش یافته است. با این حال، در همه ادوار و جوامع اهمیت خانواده پذیرفته شده است و امروزه حتی در جوامع مدرن، با وجود چنین دگرگونی هایی، خانواده اهمیت و کارکرد های خود را حفظ کرده است. چرا که برای اغلب افراد، روابط خانوادگی چیزی بیشتر از فرایندهای زیستی، روانی و اجتماعی است و مردم اغلب معتقدند که این پیوندها به صورت مستقیم با آرامش روحی همراه است. این مشاهده همسو با نتیجه گیری زیرمن (۱۹۷۴)؛ به نقل از ماهونی، پار گامنت، اسوانک و اسوانک، (۲۰۰۳) درباره ادیان شرقی از جمله اسلام است: آنها بر تقدس روابط خانوادگی بیشتر از هر موضوع دنیوی دیگری توجه دارند.

به صورت خلاصه، مردم اغلب به روابط خانوادگی به عنوان پدیده ای مقدس می نگرند. این مسئله می تواند در کارکرد خانواده موثر باشد. علاوه بر این، بیشتر دین ها، رهنمود هایی درباره شیوه ای که اعضای خانواده، باید با یکدیگر رفتار کنند ارائه کرده اند کد روابط و ساختارهای خانواده را تعدیل می کند. چنانچه قبلاً نیز اشاره شد، خانواده و دین بر همدیگر تاثیر می گذارند و شواهد تجربی نیز حاکی از این است که دین نقش بارزی در روابط خانوادگی بازی می کند (ماهونی و همکاران، ۲۰۰۱) اما کمبود شواهد تجربی در زمینه سهمی که دین در کارکرد خانواده ایفا می کند منجر به این شده است که متخصصین علوم اجتماعی تاثیر دین را در مکانیزم های روانی- اجتماعی نادیده گرفته و یا نقش آن را کاهش دهند (همان). با این حال، یک مطالعه در این زمینه، که توسط کولدول (۱۹۹۵) انجام گرفته بود نشان داد که انجام فریضه های دینی منجر به افزایش سطح کارکرد خانواده می گردد. یافته های وی حاکی از این بود که دین بر بعد انسجام که یکی از

کار کردهای خانواده می باشد تاثیر بگذارد. با توجه به اینکه خانواده و روابط درون آن پیچیدگی های خود را دارد، نظریه های مختلفی در زمینه کار کردهای آن ارایه شده است.

مطالعه کولدول (۱۹۹۵) بر اساس مدل سیستم های خانوادگی و زناشویی السون انجام گرفته است که این مدل سه مولفه برای کارکرد خانواده در نظر گرفته است (شامل انعطاف پذیری، پایداری و ارتباطات)، در حالی که دیگر مدل ها، مولفه های بیشتری را معرفی کرده اند. همچنین در پژوهشی خالد و همکاران (۱۳۹۳) به بررسی رابطه میزان دینداری با ازدواج و خانواده پرداختند. در بخش یافته ها اطلاعات نشان داد رابطه ی قوی و مثبتی بین میزان دینداری و نگرش به خانواده وجود دارد.

با توجه به جایگاه دین در زندگی فردی و اجتماعی انسان ها، در خصوص دین و دینداری مطالعات زیادی انجام گرفته است. دین به مجموعه تعالیمی گفته می شود که از سوی خدا و توسط انسان هایی برگزیده برای بشر ارسال شده و مشتمل بر سه حوزه عقاید، اخلاق و احکام است. عقاید یعنی حقایق بزرگی که باید به آنها باور داشت و آنها را در ذهن و دل خویش پذیرفت. اخلاقیات صفات نفسانی پایداری است که آدمی باید در جان خویش ایجاد کند و گوهر نفس خود را به آن بیاراید. احکام مجموعه دستورالعمل هایی است که انسان مومن دیندار به آنها موظف است و باید در عمل به کار گیرد و با اعضا و جوارح ظاهری خود انجام دهد. دینداری نیز به معنای باورداشتن آن عقاید و تخلق به آن اخلاق و التزام عملی به آن احکام است. البته انسان دیندار در زبان و ظاهر خویش به این دینداری اعتراف و افتخار می کند و آن را آشکار می گرداند (عالم زاده نوری، ۱۳۸۸).

چارلز گلاک طی دهه ۵۰-۶۰ میلادی در تلاش برای فهم و تبیین دین در آمریکا بود. وی بحث ابعاد التزام دینی را در این کشور زنده کرد و با همکاری رادنی استارک در سال ۱۹۵۶ به شرح و بسط الگوی جدیدی از دینداران پرداخت. هدف اصلی آن ها، عموماً درک شیوه های گوناگونی بود که مردم با توسل به آن، خود را مذهبی تلقی می کردند. گلاک و استارک براین عقیده بودند که به رغم آنکه ادیان جهانی در جزئیات بسیار متفاوتند، اما دارای حوزه های کلی هستند که دینداری در آن حوزه ها و یا آن ابعاد جلوه گر می شود. آن ها برای دینداری چهار بعد اصلی عمل،

باور، تجربه، دانش یا معرفت را تحت عنوان ابعاد عمومی الزام دینی مطرح کرده اند. این ابعاد پنج گانه، در سطح مقیاس های اولیه به پنج شاخص یا مقیاس تقسیم شده اند که افزایش آن، ناشی از تفکیک بعد عمل به دو بخش شاخص مناسکی و عبادی است. در مقیاس ثانویه، شاخص ها در نهایت به هشت عدد افزایش یافته است که شاخص های ناظر بر روابط اجتماعی دینداران هم به آن اضافه شده است. در ادامه شرحی از الگوی دینداری مورد نظر آن ها آورده می شود.

بعد باور: آن چیزی است که انتظار می رود پیروان یک دین بدان اعتقاد داشته باشند. گلاک و استارک این باورها را در هر دین به سه نوع تقسیم کرده اند: باورهای پایه ای مسلم، که ناظر بر شهادت به وجود خدا و معرفی ذات و صفات اوست. باورهای غایتگرا، که هدف و خواست خدا از خلقت انسان و نقش او در راه نیل به این هدف است. باورهای زمینه ساز که روش های تأمین اهداف و خواست خداوند و اصول اخلاقی را که بشر برای تحقق آن اهداف باید به آن ها توجه کند، در برمی گیرد. گلاک و استارک بعد باور یا عقیدتی را بعد ایدئولوژیکی نیز نامیده اند.

بعد مناسکی (عمل): نظام اعتقادی در هر دینی وجود دارد، اما این اعتقادات به صورت مناسک نمود عینی می یابند. تمام ادیان بنابر اقتضای نوع الهیات خود، نحوه خاصی از عمل و زیست را بر مؤمن الزام می کنند که همان عمل دینی است. این عمل خواه ناخواه، در پرتو نظام فقهی و اخلاقی سامان می پذیرد. بعد عمل یا مناسک، اعمال دینی مشخصی نظیر عبادت های فردی، نماز، روزه، صدقه، ذکات و... را در برمی گیرد. گلاک و استارک در تشریح بعد مناسکی بر این نکته تأکید کرده اند که در عملیاتی کردن این بعد، علاوه بر مشارکت در فعالیت های مناسکی، تفاوت های مربوط به ماهیت یک عمل و معنای آن عمل نزد فاعلان آن نیز بررسی می شود (آرون، ۱۳۸۶: ۴۰۵).

بعد تجربی: تجربه دینی با احساسات، تجربیات و درون فرد دیندار مرتبط است. احساسات و عواطف دینی وجه عالی تری از دینداری است که کاملاً قلبی و درونی بوده و برخلاف مناسک و مراسم آیینی نمود بیرونی ندارد. دینداری که این بعد را کسب می کنند «مخلص» نامیده می شوند. گلاک و استارک تجربه دینی را چندین نوع می دانند: تأییدی: حس مؤدت و تأیید به وجود خدا؛ ترغیبی: گزینش آگاهانه خدا و اشتیاق به او؛ شیدایی: حس صمیمیت و شور و وجد نسبت به خدا؛

و حیانی: مورد اعتماد خدا واقع شدن و کارگزار و فرستاده خدا بودن.

بعد دانشی: بعد معرفتی، عقلانی یا دانش با بعد عقیدتی بسیار نزدیک است تفاوت این دو بعد مربوط به آگاهی و شناخت در اعتقادات در بعد دانش است. معرفت دینی، آگاهی به متون دینی است که می تواند الگویی برای باور، عمل و تجربه دینی باشد. از نظر گلارک و استارک، بعد معرفتی در ارتباط با مطالبی است که مردم از طریق عالمان دینی درباره مذهب می آموزند.

بعد پیامدی: این بعد، به دلیل بیشترین انتقادات، در میان ابعاد الگوی دینداری گلاک و استارک پس از مدتی حذف شد، از جمله اینکه، بعد پیامدی فی نفسه پیامد دینداری است نه بعدی از آن. بعد پیامدی دینداری، که با این انتقاد از الگوی دینداری کنار گذاشته شد، به اعمالی گفته می شود که از عقاید، احساسات و اعمال مذهبی ریشه می گیرد و از ثمرات و نتایج ایمان در زندگی و کنش های بشر است. از نظر این دو محقق، بعد پیامدی جدا از سایر ابعاد قابل بررسی نیست. رفتارهای دینی می توانند در معنای پیامدی سنجه ای از دینداری باشند که منجر به استواری ایمان مذهبی می شود. آنجا که منجر شود تا از باور، اعمال، تجربه و دانش دینی پیروی شود (مهدی زاده، ۱۳۸۵: ۴۳).

جدای از اهمیتی که دین به لحاظ ایجاد رابطه ای اخلاقی بین زوجین دارد می تواند با تعریف ارزش ها و هنجارهای لازم هم نقشه راه و هم نقشه عمل زوجین را مشخص کند. از اینرو اهمیت دادن به اعتقادات و باورها یکی از اساسی ترین معیارهای زناشویی می باشد. زوجین براساس باورهای ذهنی خویش رفتار می کند و متناسب با آن شخصیت خویش را شکل می دهند. ارزش ها و ضدارزش های ایجاد شده در محیط خانواده همه ناشی از اعتقادات فردی است و طبیعی است که اینگونه اختلافات بسیار ویرانگر باشد.

اختلاف در ارزش ها و باورها بر خوب یا بد بودن رفتار زوجین صحنه نمی گذارد، هر یک از زوجین برای خود ارزش ها و باورهای قابل احترام دارند و تخطی هر یک از زوجین به منزله خدشه به شخصیت خود تلقی می کنند. با توجه به این واقعیات حتما باید قبل از ازدواج زوجین با این امر توجه کافی داشته باشند و میزان دوری و نزدیکی اعتقادات مشخص شود. به عقیده هان و همکاران (۲۰۱۰)، پس از زناشویی ناباوری های دینی یکی از طرفین دشواری های فراوانی برای

آنها فراهم می‌کند و هر قدر همگونی میان دو همسر از نظر مذهب کمتر باشد باعث اختلافات، کشمکش و بگومگوهای همیشگی و به طلاق بین طرفین منجر می‌شود. این ناهماهنگی‌ها با گذشت زمان بیشتر می‌شود تا جایی که بر امر استواری و استحکام ازدواج و خانواده تاثیر منفی می‌گذارد و ممکن است به طلاق بیانجامد (اردستانی سامانی و همکاران، ۱۳۹۸).

مطابق با نظریات گلارک و استارک و پیشینه‌های تجربی که در بالا ذکر شد می‌توان این فرضیه را مطرح کرد که امروزه هم دین همچنان به عنوان یکی از نهادهای اساسی زندگی اجتماعی، نقش مهمی را در پایداری خانواده ایفا می‌نماید چرا که ارزش‌ها و هنجارهای اجتماعی نیز تا حدود زیادی برگرفته از ارزش‌ها و باورهای دینی می‌باشند. محققین در این تحقیق به دنبال بررسی تجربی این فرضیه هستند.

روش تحقیق

از آنجا که در این تحقیق محقق سعی در سنجش یک واقعیت عینی دارد روی متغیرها متمرکز است و از بیرون یک جریان اجتماعی را مطالعه می‌کند، رویکرد مقتضی آن رویکرد کمی است. شیوه مورد استفاده در این پژوهش از نوع پیمایش است. روش پیمایشی از نوع تحقیق توصیفی-تحلیلی است. در این روش جمع‌آوری اطلاعات به طور مستقیم از افراد انجام می‌شود (دواس، ۱۳۹۴).

در این تحقیق برای جمع‌آوری اطلاعات مورد نیاز در مورد پایداری خانواده از پرسش‌نامه الگوی ارتباطات خانواده ریچی و فیتزپاتریک (۱۹۹۰) استفاده شده است. که گویه‌ها را در دامنه ۵ درجه‌ای مورد سؤال قرار می‌دهد. نمره ۵ معادل کاملاً موافقم و نمره ۱ معادل کاملاً مخالفم است. هر آزمودنی دو نمره از این ابزار بدست می‌آورد. نمره بیشتر در هر مقیاس به این معناست که آزمودنی در خانواده خود به ترتیب جهت‌گیری گفت و شنود یا همنوایی بیشتری را ادراک می‌کند. مقصود از خانواده نخستین سلول یا واحد زندگی اجتماعی و یک از اساسی‌ترین نهادهای جامعه است مرکب از زن و مرد که ممکن است کودکانی هم داشته باشند. پایداری خانواده نیز به فراگیری اصل اعتدال میان همگان، حاکمیت اخلاق و حفظ حقوق همه‌ی اعضاست. اگر هدف از برقراری زوجیت و تشکیل خانواده، به تعبیر قرآن، «به سکونت رسیدن اعضاست» [و من آیاته‌ان

خلق لکم من أنفسکم أزواجاً لتسکنوا إلیها]، لازم است که همه ی رفتارها و تعاملات در راستای تحقق این هدف باشد و منظور از تحکیم، به کمال رساندن همین سکونت است که با کمترین ظلم، نامردی و تحقیر حتی یک عضو در خانواده، سازگار نیست.

کوروش نیا و لطیفیان (۱۳۸۶) روایی و پایایی ابزار تجدید نظر شده الگوهای ارتباطات خانواده را مورد بررسی قرار داده‌اند. نتایج مطالعه آنها نشان داده است که این ابزار از ویژگی‌های روان‌سنجی مناسبی برخوردار است و می‌تواند به عنوان ابزاری روا و پایا در ایران به کار برده شود. اعتبار و پایایی این پرسشنامه قبلاً در تحقیقات دیگر تاییده شده است. به این صورت که ضریب همبستگی جهت‌گیری گفت و شنود و مقیاس توجه ابزار پیوند والد - فرزندی برابر با $0/74$ ($p = 0005/0$) و ضریب همبستگی جهت‌گیری همنوایی و مقیاس حمایت بیش از حد یا کنترل این ابزار برابر با $0/49$ ($p = 005/0$) گزارش شده است. (پارکر، تیلینگ و براون ۱۹۷۹، به نقل از کوروش نیا و لطیفیان، ۱۳۸۶). در مطالعه کوروش نیا و لطیفیان (۱۳۸۶) ضریب پایایی بازآزمایی در مورد خرده‌مقیاس جهت‌گیری ارتباط خانواده برابر با $0/84$ بدست آمده است. این پرسش نامه شامل ۱۴ گویه است و به گونه تفکیکی و با استفاده از طیف لیکرت پایداری خانواده را در قالب دو بعد جهت‌گیری گفت و شنود (سوال های ۱ تا ۹) و جهت‌گیری همنوایی (سوال های ۱۰ تا ۱۴) می‌سنجد. گویه‌ها پایداری آن به شکل زیر است.

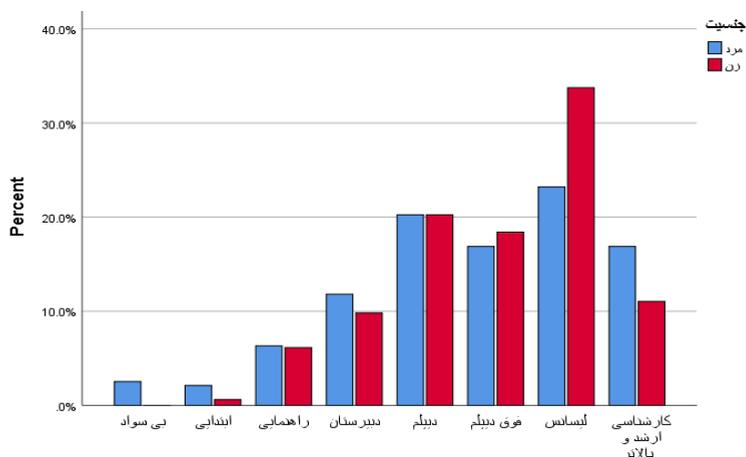
۱. من و همسرم تلاش می‌کنیم فرزندانمان احساسات خود را بیان کنند.
۲. اغلب وقتی در خانواده درباره ی چیزی صحبت می‌کنیم، نظریکدیگر را می‌پرسیم.
۳. من واقعا از صحبت کردن با خانواده لذت می‌برم، حتی وقتی با هم توافق نداریم.
۴. ما اغلب در خانواده خود درباره ی احساسات و عواطفمان صحبت می‌کنیم.
۵. معمولاً آنچه را که دارم درباره اش فکر می‌کنم، با خانواده در میان می‌گذارم.
۶. اغلب من و همسرم درباره ی هر چیزی گفتگوهای طولانی، آسوده و راحتی داریم.
۷. اعضای خانواده تمایل دارند احساساتشان را به راحتی بیان کنند.

۸. من تقریباً می توانم هر چیزی را با همسرم در میان بگذارم.
 ۹. ما به عنوان یک خانواده اغلب درباره ی کارهایی که در طول روز انجام داده ایم، صحبت می کنیم.
 ۱۰. ما در خانواده ی خود اغلب درباره ی نقشه ها و آرزو هایی که برای آینده داریم حرف می زنیم.
 ۱۱. اغلب در خانواده چیز هایی مثل این می گویند " عقیده و نظر من درست است و تو نباید در مورد آن چون و چرا کنی ".
 ۱۲. اغلب در خانواده من همسرم احساس می کند در خانواده باید رئیس باشد.
 ۱۳. وقتی افراد خانواده نظرم را نمی پسندند، نمی خواهند درباره ی آن چیزی بدانند.
 ۱۴. در خانه ی ما همیشه همسرم حرف آخر را می زند
- برای سنجش وضعیت دینداری جامعه آماری نیز از پرسشنامه دینداری گلارک و استارک استفاده شده است. این پرسشنامه نیز در مطالعات مختلف بر روی نمونه های متفاوت نشان داده است که از اعتبار بالایی برخوردار هست. در آخرین اجرای این آزمون بر روی دانشجویان، آلفای کلی پرسشنامه ۰/۸۳ بوده است. این آزمون همچنین به دلیل استاندارد بودن دارای پایایی بالایی است. مقدار آلفا برای متغیرهای بعد اعتقادی ۰/۸۱، بعد عاطفی ۰/۷۵، بعد پیامدی ۰/۷۲ و بعد مناسکی ۰/۸۳ می باشد (سراج زاده، ۱۳۷۴).
- در این پژوهش مردان و زنان متاهل شهر یاسوج به عنوان جامعه آماری می باشند. مطابق با سرشماری سال ۱۳۹۵ تعداد خانوارهای شهر یاسوج ۱۷۰۱ خانوار بوده است، با این فرض، تعداد مردان و زنان متاهل این شهر حدوداً برابر با ۳۴۰۰ نفر برآورد شده است. واحد تحلیل در این تحقیق یک زن یا مرد متاهل ساکن در خانوارهای شهر یاسوج است. در این تحقیق برای تعیین حجم نمونه از فرمول لین با سطح اطمینان ۹۵ درصد و درصد خطای ۰/۰۵ / نمونه گیری استفاده

شده و حجم نمونه ۳۸۴ نفر برآورد شد و با در نظر گرفتن وجود احتمالی پرسشنامه های ناقص و مخدوش این تعداد به ۴۰۰ نفر رسانیده شد.

یافته های تحقیق

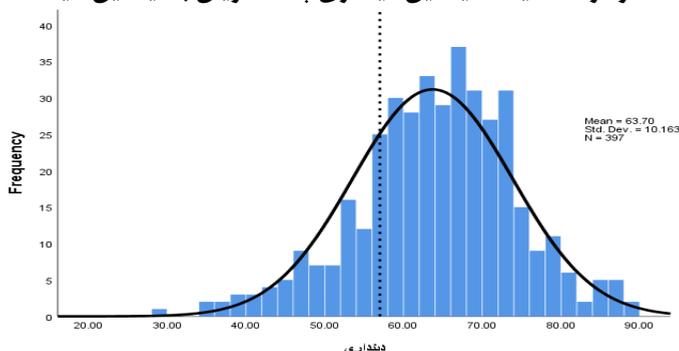
برای تحلیل داده های تحقیق از نرم افزار SPSS و نیز مدل سازی معادلات ساختاری واریانس محور با نرم افزار Smart PLS استفاده شده است. آمار توصیفی به کار رفته در تحلیل داده های این تحقیق نشان می دهد که تمامی پاسخگویان این تحقیق متاهل هستند. از بین ۴۰۰ پاسخگو ۲۳۷ نفر معادل ۵۹,۳ درصد را مردان و ۱۶۳ نفر دیگر معادل ۴۰,۸ را زنان تشکیل داده اند. به لحاظ سطح تحصیلات ۳ درصد از پاسخگویان در سطح بی سواد یا ابتدایی بوده اند. بیشترین فراوانی مقطع تحصیلی، در مقطع کارشناسی دیده می شود با ۲۷,۵ درصد. در مجموع ۵۸ درصد پاسخگویان تحصیلاتی کمتر از این مقطع و ۱۴,۵ درصد نیز تحصیلاتی بالاتر از لیسانس دارند. نکته جالب توجه، بالاتر بودن تعداد زنانی است که در سطح لیسانس قرار دارند و در عین حال تعداد کمتر آنها در بین بی سوادان و یا مقطع ابتدایی است. نمودار زیر سطح تحصیلات اعضای نمونه را به تفکیک جنسیت آنها نشان می دهد.



نمودار ۱ سطح تحصیلات پاسخگویان بر حسب جنسیت

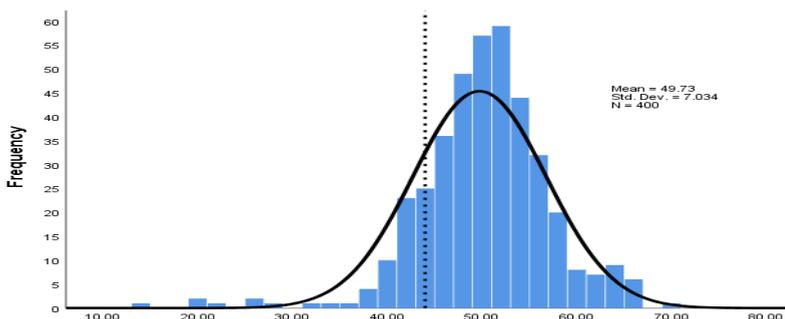
در خصوص متغیرهای موجود در این تحقیق یافته ها نشان می دهد که در مجموع میزان دینداری اعضای نمونه از سطح متوسط بالاتر هست به این صورت که در حالیکه میانگین طیف سنجش دینداری برابر با ۵۷ هست میانگین دینداری اعضا به میزان ۶۴ برآورد شده است. این وضعیت در مورد تمامی ابعاد دینداری یعنی بعد اعتقادی، مناسکی، عاطفی و مناسکی نیز دیده می شود. نتایج آزمون تی تک نمونه ای نشان می دهد این تفاوت با اطمینان ۹۹ درصد در سطح جامعه آماری معنادار هست. (مقایسه قله منحنی نرمال با خط مرجع تفاوت مشاهده شده را نشان می دهد).

نمودار ۲ مقایسه میانگین دینداری پاسخگویان با میانگین طیف



در خصوص متغیر پایداری خانواده نیز داده ها نشان می دهد که سطح پایداری خانواده ها از سطح متوسط بالاتر هست. میزان این متغیر در سطح نمونه برابر با ۴۹٫۷۳ بوده است در حالیکه میانگین طیف این متغیر برابر با ۴۴ بوده است (مقایسه قله منحنی نرمال با خط مرجع تفاوت مشاهده شده را نشان می دهد). این تفاوت با اطمینان ۹۹ درصد در سطح جامعه آماری معنادار هست.

نمودار ۳ مقایسه میانگین پایداری خانواده پاسخگویان با میانگین طیف



در خصوص ابعاد این متغیر نیز این حالت مشاهده می شود به این صورت که در ابعاد گفت و شنود و نیز همنوایی میانگین های به دست آمده بالاتر از میانگین طیف هست. بر حسب نتایج آزمون تی تک نمونه ای تفاوت های مشاهده شده در سطح نمونه آماری در سطح جامعه آماری نیز مشاهده می شود.

جدول ۱ آماره های توصیفی متغیرهای تحقیق

متغیر	میانگین	انحراف معیار	مقدار حداقل	مقدار حداکثر	میانگین طیف	سطح معناداری
اعتقادی	۱۵,۱	۳,۱۳	۴	۲۰	۱۲	۰,۰۰۰
مناسکی	۲۶,۲۴	۷,۳۴	۸	۳۹	۲۴	۰,۰۰۰
پیامدی	۱۲,۷۴	۳,۹۸	۴	۲۰	۱۲	۰,۰۰۰
عاطفی	۹,۶۳	۳,۳۴	۳	۱۵	۹	۰,۰۰۰
دینداری	۶۴	۱,۱۶	۲۹	۸۸	۵۷	۰,۰۰۰
گفت و شنود	۳۶,۵۸	۵,۹۲	۱۰	۵۰	۳۰	۰,۰۰۰
همنوایی	۱۳,۱۴	۳,۶۹	۴	۲۰	۱۲	۰,۰۰۰
پایداری خانواده	۴۹,۷۳	۷,۰۳	۱۴	۷۰	۴۴	۰,۰۰۰

یافته های استنباطی

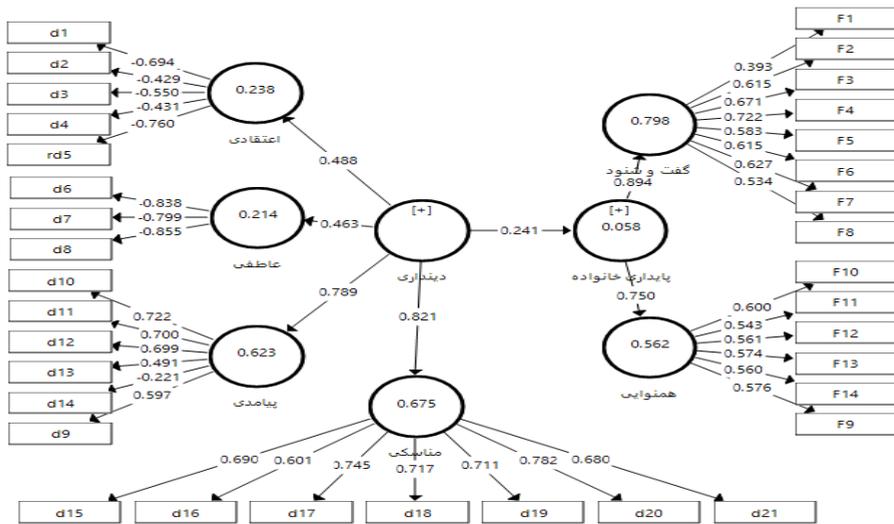
برای مقایسه وضعیت دینداری و میزان پایداری خانواده ها در بین دو جنس از آزمون تی برای گروه های مستقل استفاده شده است. نتایج این آزمون نشان می دهد هرچند زنان در هر دو متغیر با تفاوت اندکی میانگین بالاتری نسبت به مردان دارند اما در سطح جامعه آماری تفاوت معناداری بین دو جنس وجود ندارد.

جدول ۲ مقایسه وضعیت دینداری و پایداری خانواده بر حسب جنسیت پاسخگویان

متغیر	جنسیت	میانگین واقعی	انحراف معیار	مقدار تی	سطح معنی داری
دینداری	مرد	۶۳,۶۶	۹,۵۹	-۰,۰۸۱	۰,۹۵
	زن	۶۳,۷۴	۱۰,۹	-۰,۰۷۹	
پایداری خانواده	مرد	۳۶,۲۳	۵,۰۴	-۱,۴۳	۰,۱۷۷
	زن	۳۷,۰۹	۷	-۱,۳۵	

برای آزمون فرضیه اصلی تحقیق از تکنیک مدل سازی معادلات ساختاری واریانس محور با حداقل مربعات جزیی استفاده شده است. روند کار به این صورت بوده است که ابتدا مدل دینداری اعضا تدوین و به حداکثر برازش ممکن رسانیده شد. همین مراحل برای مدل پایداری خانواده نیز انجام شد و در مرحله بعد هر دو مدل با هم ترکیب شدند و ضرایب آماری مورد نیاز برآورد شدند. مدل نهایی تدوین شده و ضرایب برآورد شده مطابق شکل ۱ می باشد.

شکل ۱ مدل معادله ساختاری متغیرهای تحقیق



بارهای عاملی نمایش داده شده در مدل به خوبی گویای مناسب بودن معرف ها برای سنجش عوامل پنهان تحقیق هست. ضرایب بالاتر از ۰,۷ آلفای کرونباخ معرف های پرسشنامه نشان می دهد که گویه های مطرح شده از میزان قابل قبول روایی برخوردار هستند. همچنین مقادیر واریانس های تبیین شده عوامل پنهان در مدل هم نشان می دهد که گویه های مطرح شده در پرسشنامه اعتبار لازم را دارا هستند و به درستی عوامل پنهان مدل را اندازه گیری می کنند.

شاخص SRMR به میزان ۰/۰۷۸ نشان می دهد که مدل مفروض تدوین شده، توسط داده های پژوهش حمایت می شوند؛ به عبارت دیگر، برازش داده ها به مدل برقرار است. وزن های رگرسیونی محاسبه شده در مدل نیز مهمترین معیار برای تایید یا رد فرضیه های تحقیق است که در ادامه به آنها پرداخته خواهد شد:

ضریب رگرسیون استاندارد اثر دینداری بر پایداری خانواده بر حسب محاسبات انجام شده برابر است با ۰,۲۴۱. این مقدار با اطمینان ۹۹ درصد در سطح جامعه آماری معنادار هست و نشان می دهد با یک واحد افزایش در انحراف معیار دینداری، انحراف معیار پایداری خانواده ها به میزان

۰,۲۴۱ افزایش پیدا می کند. در مجموع این متغیر اثر مثبتی بر پایداری خانواده ها دارد و با افزایش دینداری میزان پایداری خانواده ها نیز افزایش می یابد.

بر اساس ضریب تعیین به دست آمده نزدیک به ۶ درصد واریانس پایداری خانواده ها مربوط به متغیر دینداری است و ۹۴ درصد تغییرات پایداری خانواده ناشی از متغیرهایی است که در این مدل دیده نشده است.

بحث و نتیجه گیری

یکی از اساسی ترین و اصلی ترین رکن جامعه و بستر فرهنگ های گوناگون و زمینه سازخوشبختی و یا بدبختی انسان ها و جوامع، نهاد خانواده است. به همین خاطر در اسلام برنامه های مفصل و کاملی برای سالم سازی و تأمین نیازهای روحی و روانی این نهاد به عمل آمده است. خانواده از منظر قرآن، از جایگاه محوری و کلیدی برخوردار است و هسته مرکزی شکل گیری جامعه را تشکیل می دهد. دین و مذهب یکی از مهم ترین و پایه ای ترین نهادهایی است که جامعه بشری از گذشته تا کنون به خود دیده است، بطوری که هیچگاه بشر خارج از این پدیده زندگی نکرده و دامن از آن برنکشیده است و از معدود نهادهایی است که از دوره های بسیار دور جزء مهمی از زندگی انسانی را تشکیل داده و در نحوه و نوع زندگی موجود انسانی اثر گذاشته است. هیچ جامعه ای شناخته شده ای نیست که در آن شکلی از دین وجود نداشته باشد. دین با رسوخ به درون انسان در تمام لحظات، در خلوت و آشکار، در جمع و تنهایی، در آرامش و سختی، اندیشه و عمل وی را تحت تأثیر قرار داده، با حلول ارزش های آسمانی جسم خاکی تعالی یافت، تصعید گردید و با تبلور ابعاد ملکوتی در آن به اوج رسید (موسوی و همکاران، ۱۳۹۰).

صرف نظر از جنبه های ارزشی و سمبولیک روابط اجتماعی که از خلال دین بر ملا می شود، آنچه مسلم به نظر می رسد نقش فوق العاده اساسی و حساس آن در پایداری خانواده ها است. زیرا تا وقتی روحیه ی دینی جامعه و تأثیر آن بر توده ی مردم به صورت درست و صحیح درک و احساس نشود، نمی توان به شناخت جامع و قابل اتکایی درباره ی جامعه و ارزش های آن در درون خانواده دست یافت. لذا این پژوهش با هدف بررسی تاثیر میزان دینداری بر پایداری خانواده انجام شد.

بررسی ادبیات این تحقیق نشان داد به صورت کلی دینداری و پایبندی به ارزش‌ها و آموزه‌های دینی نقش بسیار مهمی در تعالی و پایداری خانواده در جامعه اسلامی دارد. خانواده به عنوان یکی از مهم‌ترین نهادهای اجتماعی، نه تنها نقشی اساسی در تربیت و پرورش نسل‌های آینده ایفا می‌کند، بلکه مکانی برای انتقال ارزش‌های دینی و اخلاقی به افراد است. بر این اساس، مصادیق دینداری در اسلام، همچون محبت و مودت، عدالت و انصاف در روابط خانوادگی، پایبندی به تعهدات و مسئولیت‌های خانوادگی، و رعایت اصول اخلاقی و ارزش‌های دینی، همگی به شکل‌گیری و تقویت بنیان خانواده کمک می‌کنند. محبت و مودت میان اعضای خانواده به ایجاد یک فضای امن و محبت‌آمیز منجر می‌شود که نه تنها در تربیت فرزندان و شکل‌گیری شخصیت آنها تاثیرگذار است، بلکه به ایجاد روابط مستحکم و پایدار میان زوجین نیز کمک می‌کند. همچنین، رعایت عدالت و انصاف در برخورد با مسائل و اختلافات خانوادگی، از بروز نارضایتی و تعارض جلوگیری کرده و فضای اعتماد و امنیت را در خانواده تقویت می‌کند. پایبندی به مسئولیت‌ها و تعهدات خانوادگی نیز نشان‌دهنده نقش مهمی است که هر فرد در تقویت و حفظ انسجام خانواده ایفا می‌کند. در نهایت، رعایت اصول اخلاقی و ارزش‌های دینی به عنوان پایه‌های اصلی دینداری، به ایجاد یک محیط سالم و مثبت در خانواده کمک کرده و خانواده را به سمت تعالی و پایداری هدایت می‌کند. این اصول و ارزش‌ها نه تنها در پایداری و استحکام روابط خانوادگی موثر هستند، بلکه نقش مهمی در بهبود سلامت روانی و اجتماعی اعضای خانواده دارند. بنابراین، ترویج و تقویت دینداری و ارزش‌های دینی در جامعه می‌تواند به بهبود وضعیت خانواده‌ها کمک کرده و به طور کلی، جامعه‌ای با پایه‌های محکم‌تر و هماهنگ‌تر ایجاد کند. این امر نیازمند توجه جدی به آموزش و ترویج این ارزش‌ها و مصادیق دینداری در تمامی سطوح اجتماعی است.

یافته‌های تجربی این تحقیق نشان داد که در مجموع میزان دینداری اعضای نمونه از سطح متوسط بالاتر هست به این صورت که در حالی که میانگین طیف سنجش دینداری برابر با ۵۷ هست میانگین دینداری اعضا به میزان ۶۴ برآورد شده است. در رابطه با متغیر پایداری خانواده نیز داده‌ها نشان می‌دهد که سطح پایداری خانواده‌ها از سطح متوسط بالاتر هست. میزان این متغیر در سطح نمونه برابر با ۴۹,۷۳ بوده است در حالی که میانگین طیف این متغیر برابر با ۴۴ بوده

است. همچنین یافته‌ها نشان دادند میزان پایداری خانواده و میزان دینداری پاسخگویان در بین زنان و مردان جامعه آماری تفاوت معناداری ندارند.

ضریب رگرسیون استاندارد اثر دینداری بر پایداری خانواده بر حسب محاسبات انجام شده برابر شد با ۰,۲۴۱. این مقدار با اطمینان ۹۹ درصد در سطح جامعه آماری معنادار هست و نشان می‌دهد با یک واحد افزایش در انحراف معیار دینداری، انحراف معیار پایداری خانواده‌ها به میزان ۰,۲۴۱ افزایش پیدا می‌کند. در مجموع این متغیر اثر مثبتی بر پایداری خانواده‌ها دارد و با افزایش دینداری میزان پایداری خانواده‌ها نیز افزایش می‌یابد. یافته‌های این پژوهش با تحقیقات فرگوسن (۱۹۸۴)، ماهونی و همکاران (۲۰۰۱)، کولدول (۱۹۹۵)، حلیمی و جلودار (۱۳۹۵) از این جهت که میزان دیندار اثر مثبتی بر پایداری خانواده‌ها دارد به طوری که با افزایش دینداری میزان پایداری خانواده‌ها نیز افزایش می‌یابد همسو و هم جهت است. همچنین با نظریات گلارک و استارک (۱۹۵۶) و هان (۲۰۱۰) از این نظر که دینداری باعث ایجاد رابطه‌ای پایدار اخلاقی بین زوجین می‌شود و می‌تواند با تعریف ارزش‌ها و هنجارهای لازم نقشه راه زوجین را مشخص کند و بر پایداری و استحکام خانواده بیفزاید مطابقت دارد.

تایید این رابطه را می‌توان چنین توجیه کرد که دینداری از چند سو می‌تواند بر پایداری خانواده‌ها اثر بگذارد. از یک طرف دین زمینه‌های رفتار اخلاقی را برای افراد فراهم می‌کنند و همین پایبندی به اخلاقیات تا حد زیادی می‌تواند رفتار منصفانه‌تری را از سوی اعضای خانواده بروز دهد و در تعاملات ایشان تعدیل‌کننده رفتارهایشان باشد. از سوی دیگر با توجه به اینکه دین ایجادکننده ارزش‌های خاص خود هست و هنجارهای مشخصی را نیز برای رسیدن به آن ارزش‌ها فراهم می‌کند می‌تواند مشخص‌کننده الگوهای رفتاری اعضای خانواده باشد و قطعاً پایبندی به این الگوها با توجه به مشخص بودن شیوه‌های عمل و عدم وجود ابهام می‌تواند رفتار اعضای خانواده و بویژه زوجین را راهبری نموده، زمینه پایداری خانواده‌ها را فراهم کند.

نکته پایانی اینکه بر اساس ضریب تعیین به دست آمده نزدیک به ۶ درصد واریانس پایداری خانواده‌ها توسط متغیر دینداری تبیین می‌شود. این به این معناست که ۹۴ درصد تغییرات پایداری خانواده ناشی از سایر متغیرهایی است که در این مدل دیده نشده است. این موضوع نشان می‌دهد

ظرفیت برای انجام پژوهش‌های بسیار دیگری نیز وجود دارد که در آن تاثیر سایر عوامل بر پایداری خانواده‌ها بررسی شوند. با توجه به وجود رابطه مثبت و معنادار بین دینداری و پایداری خانواده، به برنامه‌ریزان امر و متخصصان اجتماعی که با حوزه خانواده در ارتباط هستند، پیشنهاد می‌شود در جهت تقویت روحیه دینداری و گسترش منابع حمایتی خانواده‌ها اقدام کنند. همچنین آنچه می‌تواند در جهت رفع محدودیت‌ها و نواقص این پژوهش انجام گیرد مطالعه رابطه میزان دینداری بر پایداری خانواده در بین مردان و زنان متأهل بصورت کیفی و عمیق است. که باعث می‌شود جنبه‌های پنهان این اثر گذاری کشف و شناسایی شود.

منابع

- اعزازی، شهلا. (۱۳۹۹). جامعه‌شناسی خانواده، تاکید بر نقش، ساختار و کارکرد خانواده در دوران معاصر. تهران: انتشارات روشنگران و مطالعات زنان.
- امینی، ابراهیم، (۱۳۷۸)، انتخاب همسر، تهران: مؤسسه‌ی انتشارات امیرکبیر.
- آرون، ریمون، (۱۳۸۶). مراحل اساسی سیر اندیشه در جامعه‌شناسی، ترجمه محسن ثلاثی، تهران: علمی و فرهنگی.

دواس، دی، (۱۳۹۴). پیمایش در تحقیقات اجتماعی، ترجمه هوشنگ نایی، تهران: نشر نی.

طبرسی، فضل بن شاذان، (۱۳۷۲)، مجمع‌البیان، تهران: ناصر خسرو.

قرآن کریم

کوئن، بروس (۱۳۸۵)، مبانی جامعه‌شناسی، ترجمه غلامعباس توسلی و رضا فاضل، تهران:

سمت.

مجلسی، محمدباقر، (۱۴۰۳ ق)، بحار الأنوار، بیروت: مؤسسه الوفاء.

مجلسی، محمدباقر، (۱۳۶۴)، روضة المتقین، قم، بنیاد فرهنگ اسلامی.

مصباح یزدی، محمدتقی، (۱۳۸۷)، اخلاق در قرآن، تهران: مصباح.

میبدی، رشیدالدین، (۱۳۵۷)، تفسیر کشف‌الاسرار و عدة الابرار، تهران، امیرکبیر.

مطهری، مرتضی، (۱۳۷۳)، مسأله حجاب، چاپ نهم، تهران: انتشارات صدرا.

لطیفیان، مرتضی، (۱۳۸۶)، "بررسی روایی و پایایی ابزار تجدیدنظر شده الگوهای ارتباطات

خانواده"، خانواده پژوهی، ۳(۱۲)، ۸۵۵-۸۷۵.

موسوی، سیده زهرا؛ موسوی، سید رفیع و حیدری، حسین، (۱۳۹۰). "بررسی میزان پابندی

به مناسک و رفتارهای دینی و عوامل مؤثر بر آن (مورد مطالعه: دانش آموزان مقطع متوسطه

شهرستان زنجان)"، مجله تخصصی جامعه‌شناسی، سال اول، شماره ۱ اول.

مهدی زاده، سید محمد (۱۳۸۵)، "رهیافتی انتقادی به فرهنگ و جامعه نو". رسانه. شماره ۱.

سراج زاده، سیدحسین، جواهری، فاطمه، ولایتی خواجه، سمیه، (۱۳۹۲)، "دین و سلامت:

آزمون اثر دینداری بر سلامت در میان نمونه‌ای از دانشجویان"، جامعه‌شناسی کاربردی. ۱. ۷۷-

۵۵.

شجاعی زند، علیرضا. (۱۳۸۴)، "مدلی برای سنجش دینداری"، نامه جامعه‌شناسی ایران،

دوره ششم، شماره اول، بهار.

عالم زاده نوری، محمد، (۱۳۸۸)، "دینداری و دین‌گریزی". پگاه حوزه، شماره ۲۵۵،
<http://ensani.ir/fa/article/64370>

کبنا نیوز، (۱۴۰۰)، جلسه شورای هماهنگی ثبت احوال استان کهگیلویه و بویراحمد. کد
خبر ۴۴۲۸۳۹، <https://www.kebna.news.ir/report>

ایسنا، (۱۴۰۱). جزئیات طرح ملی کنترل آسیب‌ها اجتماعی با تمرکز بر کاهش نرخ طلاق،
کد خبر ۸۴۷۱۸۳۰۹، irna.ir/xjJ6C6

Lauer, Ropert, H. (1998). "Social Problems and the Quality of Life",
New York: McGraw-Hill.

Coldwell, K. J. (1995). "Religious effect on level of family
functioning", *Journal of Family psychology*, 7:245_260.

Fergusson D.M. & Horwood L. J. & Shannon F. T. (1984). "A
proportional Hazards Model of Family breakdown", *Journal marriage
and the family*, Vol. 46, No. 3, August: 539-549.

Oderic Beaujot & Zenaida Ravanera (2008). "Family Change and
Implications for Family Solidarity and Social Cohesion", *Canadian
Studies in Population*, Vol. 35.1, pp. 73-101.

Thomas, V. & Olson, D.H. (1993). "Problem families and the
Circumplex Model: Observational assessment using the Clinical Rating
Scale", *Journal of Marital & Family Therapy*, 19, 159-175.

 [10.22034/rjcis.2025.11822](https://doi.org/10.22034/rjcis.2025.11822)

 [10.22034/rjcis.2025.11822](https://doi.org/10.22034/rjcis.2025.11822)